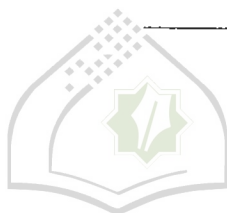


کشف‌المحجوبی دیگر

محمدرضا موحدی



کشف‌المحجوب. ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی. تصحیح دکتر محمد حسین تسبیحی (رها). اسلام‌آباد، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۴، وزیری، سی + ۶۹۷ص.

سبک‌شناسی بهار کاویده شده است) و نیز اطلاعات ذی‌قیمتی که در این کتاب درباره فرقه‌ها و معارف صوفیه آمده و نیز شرح برخی اصطلاحات - که به روزگار مؤلف زمان چندانی از رواج آنها نمی‌گذشت - هنوز مجال پژوهش و بررسی بیشتر دارد.

نشر کتاب - آن گونه که مرحوم ملک‌الشعرا بهار متذکر

۱. ابوالحسن علی بن عثمان جلابی هجویری غزنوی (ولادت: اواخر قرن چهارم؛ وفات: اواخر قرن پنجم) از ائمه و کبار متصوفه قرن پنجم هجری است که زهد، صاحبان نظر و اثر از مرتبه والا و جایگاه شامخ برخوردار بوده است.

۲. بهار، سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۱۸۷.

۳. کشف‌المحجوب، تصحیح دکتر تسبیحی، ص ۸.

«کشف‌المحجوب» هجویری^۱ از قدیمی‌ترین تألیفات شناخته شده در تصوف است که اهمیت آن در چند دهه گذشته از دیدگاه‌های گوناگون بررسی شده است. حاصل این پژوهش‌ها برمی‌نماید که این کتاب از کهن‌ترین متون مدون و منظم در عرفان نظری و عملی و نیز وحدت وجود است و به قول مرحوم ملک‌الشعرا بهار، باید آن را یکی از کتب طراز اول شمرد.^۲

این کتاب در واقع پاسخی است به سؤال‌های ابوسعید هجویری، یکی از شاگردان باوفا و آگاه او، که از وی چنین درخواست بود که:

«بیان کن مرا اندر تحقیق طریقت تصوف، کیفیت مقامات ایشان، مذاهب ایشان، مقالات ایشان، رموز و اشارات ایشان، چگونگی محبت خداوند عزوجل، کیفیت اظهار آن بر دل‌ها، سبب حجاب عقول از کُنه و ماهیت آن، و نفرت نفس از حقیقت آن، و آرام روح با صفوت آن، و آنچه بدین تعلق دارد از معاملات آن.»^۳

کتاب کشف‌المحجوب را در چهل باب، چهل فصل و شانزده کلام و یازده کشف‌الحجاب تقسیم کرده‌اند. ویژگی‌های زبانی و ادبی این کتاب (که به تفصیل در

پژوهشگر ایرانی البته باید اندکی شرمسار باشد که چنین ضرورتی را (در احیای متون و موارث کهن ملی و اسلامی) ابتدا غربی‌ها و مستشرقین دریافتند و سال‌ها با تلاش بی‌وقفه (با صرف نظر از برخی انگیزه‌های غیر فرهنگی) در این راه قدم زدند. حاصل آن تلاش‌ها، کارنامه‌ی پربرگ و بار متون کهن است که توسط مستشرقان، تصحیح و چاپ شده است.

چاپ منقح کتاب کشف المحجوب نیز نخستین بار در سال ۱۹۲۶ م. توسط پروفیسور والتین ژوکوفسکی براساس نسخ معتبر در لنینگراد (سنت پترزبورگ) به چاپ رسید و پس از آن بارها در ایران به شکل افست در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت.

چاپ زنده یاد ژوکوفسکی از آن رو که بر مبنای اصح و اکمل نسخ بود و نیز به خاطر دقت نظر آن استاد و برخی توضیحات، همچنین فهرست‌های هشگانه کتاب - که برای نخستین بار تنظیم می‌شد - بزودی مورد توجه و محل اعتماد صاحب نظران و دانش پژوهان قرار گرفت؛ بویژه پس از افستی که از آن در سال ۱۳۵۸ ش توسط کتابخانه طهوری صورت گرفت و با مقدمه مفید آقای قاسم انصاری، روانه بازار کتاب شد.

نسخه ژوکوفسکی سال‌ها پایدار ماند و نیاز مشتاقان را برآورد، اما نیاز به تصحیح مجدد و امروزی، بویژه پس از کشف نسخه‌های دیگری از این کتاب، همچنین نامناسب بودن حروف چینی چاپ لنینگراد (که حتی در چاپ کتابخانه طهوری نیز به همان شکل باقی مانده بود) ضرورت بازنگری و تصحیحی انتقادی از این کتاب را ایجاب کرد.

این مهم چند سال پیش با همت دکتر محمد حسین تسبیحی (رها) به سامان رسید و چاپی تازه از کتاب «کشف المحجوب» به میدان ادبیات صوفیه آمد. این کتاب در اسلام آباد پاکستان و به مدد انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان انجام یافته و گویا در ایران پخش مناسبی نداشته است. شکل ظاهری کتاب، بسیار آراسته و چشم نواز است و برخلاف بسیاری از کتب چاپ پاکستان، خواننده را گریزان نمی‌سازد.

پیش از متن کتاب، تقریظ سرپرست مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، و پیش‌گفتار مصحح (در شرح احوال هجویری و سبب تألیف کتاب و توضیحی درباره نسخ کتاب و ...) آغازگر کتاب است. مصحح در پیش‌گفتار خود به این نکته اشاره کرده که برخلاف رویه گذشتگان در تقسیم‌بندی کشف المحجوب، وی همه کتاب را بر حسب

شده‌اند. هر چند مربوط به قرن پنجم است و بیش از کتب قدیم دستخوش تازی و لغت‌های آن زمان است، اما باز نمونه سبک قدیم را از دست نداده و روی هم رفته به زبان فارسی بسیار ساده و به سبک قدیم تألیف شده است.^۴

نکته قابل اهمیت در نشر این کتاب، گرایش ملایم و بسیار آرام نویسنده به استخدام سجع در برخی عبارات کتاب است. همین رویه، بعدها در تذکرة الاولیا نیز پیگیری شد و آرام آرام چنان وسعت و مقبولیت یافت که حجم گسترده «نثر مسجع» را در بر گرفت و تا آنجا پیش رفت که از حسن اولیه خود به درآمد و به «نثر مصنوع» دچار شد و نثر فارسی که می‌توانست از این امکانات زبانی و البته جذاب، بخوبی استفاده کند، به منجلاب تکلف‌ها و تصنع‌های منشیانه افتاد. بخوبی پیداست که پیگیری شیوه نثر فارسی از مرسل تا مصنوع، بدون بررسی کتاب‌هایی همچون کشف المحجوب میسر نیست.

یکی از امتیازهای ویژه این کتاب قدمت قابل ملاحظه آن است. این قدمت پژوهشگر را وامی دارد که درباره اثرپذیری چنین کتابی از آثاری چون: اللمع ابی نصر سراج؛ مجموعه آثار عبدالرحمن سلمی؛ بویژه طبقات الصوفیه؛ رساله قشیریه؛ تصنیفات منصور حلاج و نیز تأثیر آن بر کتاب‌هایی چون: اسرار التوحید محمد بن منور؛ تذکرة الاولیاء عطار نیشابوری؛ نفعات الانس جامی، بیشتر بکاود و تأمل ژرف تری مصروف سازد. به هر حال این کتاب که در بردارنده برخی تجربیات و اطلاعات عرفانی زمان بوده، بخوبی موفق به انتقال آن تجربیات و اطلاعات به نسل‌ها و نثرهای دوره بعد شده است.

همین فضل تقدم و تأثیر گذاری آن بر موارث بعدی، ضرورت احیای چنین آثاری را بیشتر آفتابی می‌کند. باز گشودن بسیاری از مشکلات تاریخی در باب تصوف، منوط به در دست داشتن متون کهن در این رشته از معارف اسلامی است. احیای چنین آثاری همچنین در فهم صحیح از سایر متون متأخر بسیار مؤثر است و همچون آفتابی بر آنها خواهد تابید. دستیابی به ویژگی‌های سبکی و زبانی این کتاب نیز که در کشف ویژگی‌های سبکی و زبانی آثار بعد، تأثیر بسزا دارد، یکی دیگر از انگیزه‌هایی است که می‌تواند احیای چنین آثاری را ضرورت بخشد.

۴. سبک‌شناسی، ج ۲، ص ۱۸۷.

احادیث، ابیات و اقوال عربی است و البته کار از این نیز فراتر رفته به حرکت گذاری برای همهٔ اعلام و امکان و اصطلاحات نیازمند توضیح، رسیده است.

کاستی های این چاپ

الف. همان گونه که یاد کردیم، ویرایش صوری و بهره گیری از علامات سجاوندی، از امتیازات مهم این چاپ است. اما به نظر می رسد که در برخی موارد، کاربرد این علامات، نابجا و غیر اصولی بوده است؛ نمونه را به نقطه گذاری ها در این جمله بنگرید:

«کسی را که شفا از احتما باید طلبید، او از تناول طلبید. از مردمان نباشد.» (ص ۸۰، سطر ۱۹) و نیز این جمله: «و آن شب که از دنیا بیرون شد. هفتاد کس پیغمبر را-ص- به خواب دیدند...» و حسن بصری-رحمة الله علیه- روایت کند که: به عبّادان، سیاهی بود، که اندر خرابه ها بودی. روزی من از بازار چیزی بخریدم، و بدو دادم. مرا گفت: «این چه چیز است؟» گفتم: «طعامی است که آورده ام، بدان که مگر تو بدان محتاجی.» گفت: «به دست اشارتی کرد، و در من خندید.» من سنگ و کلوخ دیوارهای آن خرابه را جمله زر دیدم. از کرده خود تشویر خوردم، و آن چه برده بودم، بگذاشتم و خود بگریختم از هیبت او. (ص ۳۴۲)

البته این گونه سهوا بسیار است و تنها چند نمونه نقل شد. همچنین مصحح محترم برای همهٔ عنوان های کتاب پس از خط تیره که جمله های دعائیه در آن قرار داده شده، نقطه گذاشته است، که با قوانین علامت گذاری در رسم الخط فارسی ناسازگار است.

ب. در برخی اعلام و کلمات و عبارات نیز خطا دیده می شود؛ مثلاً: فضیل (به جای فضیل) در ص ۱۳۶-۱۳۷، ۱۳۹ و ...، ابو عبدالرحمن سلمی (به جای سلمی) و یا کلمه نُخست (به جای نخست).

ج. در انتخاب نسخه بدل ها نیز گاه به نظر می رسد که هنوز گزینش گزینه های مناسب تر از میان نسخه بدل ها امکان دارد، برای مثال در چند مورد از نسخه حاضر (و همچنین نسخه ژوکوفسکی) چنین آمده: «و منهم و نیز گوهر گنج حیا، و اعبد اهل صفا و...» (ص ۸۷ و ۹۴) که در برخی نسخه ها بدون عبارت «و نیز» آمده که صحیح تر می نماید.

همچنین در صفحه ۸۱ سطر ۱۵، چنین آمده: «و سرما بر تن من قوت گرفت. باتون اندر آمدم. و دامن خود بدان آتش اندر کشیدم. دود آن به زیر من برآمد. جامه و رویم سیاه شد...» که به

موضوع، تقسیم بندی و جمعاً آن را بر ۲۵ قسمت موضوعی منقسم کرده است.

ویژگی های ستوده این چاپ

افزون بر مقابله نسخ بیشتر و اطلاع از نسخه های تازه یافته -که اصلی ترین امتیاز این چاپ است- و نیز تنظیم و تسویب موضوعی کتاب، آنچه در آغاز و پیش از هر داوری، کتاب حاضر را بر نسخه های پیشین و بویژه نسخه ژوکوفسکی، برتر می نشانند، حروف چینی مناسب و صفحه آرایی چشم نواز و تیربندی شایسته آن است. خواننده در این کتاب می تواند به راحتی فصول مربوط به هر یک از مشایخ و نیز توضیح هر یک از اصطلاحات عرفانی را از دیگری تمییز و حد هر بحث را بخوبی تشخیص دهد. این نکته در رغبت افزایی و ملالت زدایی در قرائت متن بسیار مؤثر است، که البته در نسخه مرحوم ژوکوفسکی اصلاً رعایت نشده است.

همچنین در این نسخه، ویرایشی نسبتاً عالمانه به کار رفته و از علامات سجاوندی به نیکی بهره گیری شده است. باید یادآور شد که ویرایش صوری چنین متونی، خود کاری است طاقت فرسا و پر دقت که به انواع مهارت های زبانی و آشنایی کامل با زبان مؤلف، نیاز دارد. برای نمونه در کجگونگی جمله ها و اینکه کجا باید جمله ای را با علامت پرسشی ختم کرد و کجا با علامت جمله خبری؛ و نیز اینکه نقل قول ها در کجا تمام می شوند و یا از کجا آغاز می شود، و... بویژه در متنی که خود هیچ علامتی نداشته و مملو از نقل قول هاست، خود کاری است کارستان که مصحح این نسخه تا اندازه فراوانی از پس آن برآمده است.

مصحح محترم همچنین همهٔ نسخه بدل های اختلافی- و البته قابل اعتنا- را در پاورقی هر صفحه نقل کرده تا خواننده بصیر خود در برخی مواضع، احتمال قرائت های دیگر را بیازماید. همین جا باید از زحمت دیگر مصحح قدردانی کرد که برای مقایسه هر چه بهتر میان مهم ترین نسخه های موجود از کشف المحجوب، و امکان انتقال سریع از نسخه ای به دیگر نسخه، آغاز و پایان همهٔ صفحه های سه نسخه مطرح را با رمز گذاری در میان قلاب هایی در متن مشخص کرده است. از دیگر محاسن این چاپ، اعتراب گذاری همهٔ آیات،

تازی، تزویج، ازیراک، اجماع، اکل، اهل عروض، اهل لغت، اهل نحو، خرماستان، جوالدوز، عکازه و

باری چاپ حاضر، اگرچه گامی فراتر از تصحیح مرحوم ژوکوفسکی است، اما تا گام‌های پایانی، هنوز چند منزلی راه باقی مانده است.

در پایان، ناچار از گذاردن این گلایه‌ام که به رغم پیشرفت‌های بسیار در عرصه فن‌آوری ارتباطات و نزدیک شدن به نقطه «انفجار اطلاعات» و ... پژوهشگر ایرانی هنوز از تحقیقات و مطالعات انجام شده در کشورهای همسایه - آن هم کشوری مثل پاکستان، همسایه دیوار به دیوار فرهنگ ما، و نه در کشوری دوردست و با زبانی ناآشنا! - اطلاع چندانی ندارد و محصولات مراکز تحقیقاتی آن تنها به دست افرادی معدود می‌رسد و عموم دانش پژوهان از دسترسی بدان بی‌بهره‌اند.

جالب است برای نمونه بدانیم که اگرچه در ایران تاکنون تحقیقی جامع و مستقل در باب آراء و افکار و شرح زندگانی ابوالحسن علی بن عثمان هجویری، به نگارش در نیامده، اما همین دکتر تسبیحی، کتابی تحت عنوان «شرح احوال و آثار علی هجویری و تحلیل کشف المحجوب» در راولپندی پاکستان به چاپ رسانده که مع الاسف در ایران هنوز به رؤیت عام نرسیده است. گمان می‌کنم باید از همان مرکز تحقیقات فارسی توقع داشت که به سیستم توزیع خود نیز سر و سامانی دهد تا حاصل چنان مطالعاتی به دست خوانندگان واقعی آن نیز برسد. امیدوارم این دو کتاب آقای تسبیحی بزودی چنان بختیاری بیابند که در تهران به شکلی منقح تجدید چاپ شوند و مجالی برای بحث و بررسی در این گونه زمینه‌های و نهاده شده، مهیا سازند.

توفیق ناشر و مصحح را در کشف محجوبی دیگر آرزو مندیم.

○

۵. به این سخن منسوب به معصوم (ع) توجه کنید: «طلب المعارف من غیر طریقنا اهل البیت مساوق لانکارنا» این سخن در واقع صرفاً نقل رؤیایی بود (زاهدی معاصر، امام زمان (عج) را در خواب دیده که بر سینه مبارک چنان نوشته شده بوده) و با آنکه هیچ سندیتی نداشت، اما، سال‌ها پیش به کتاب چهل سخن (چاپ شرکت سهامی انتشار) راه یافت و موجب برخی گفتگوها شد.

نظر می‌رسد با توجه به نسخه بدل‌های موجود، «دود آن به زبر من برآمد.» مناسب‌تر می‌نماید.

د. متأسفانه در این چاپ نیز اغلاط مطبعی به وفور یافت می‌شود؛ برای نمونه ر.ک: عبارت چه سود و چه زیان (به جای زیان) ص ۱۴۳. حسان الوجود (به جای الوجوه) و عبارت اخوف ما اخاف علی امتی، انسان (به جای اللسان) ص ۶۱۶. و حدیث «أما انی كنت أريد القوم (به جای الصوم) ص ۴۶۳ و

ه. فهرست‌های هشتگانه کتاب برای اهل تحقیق بسیار راهگشا و کارسازند، اما با مقایسه این فهرس با فهرس چاپ ژوکوفسکی، در کنار امتیازهای فراوانی که برای زحمات مصحح می‌توان بر شمرد، نواقصی نیز دیده می‌شود که برای نمونه چند مورد از آنها اشاره می‌شود:

در فهرست احادیث نبوی، برخی عباراتی نیز که عرفا در رؤیا از پیامبر اکرم (ص) شنیده‌اند، آمده است. به نظر می‌رسد آوردن چنان عبارتی تحت عنوان احادیث نبوی صحیح نیست. بنگرید به ص ۴۶۳: «انا قد خبانا لک حیسا» و یا ص ۴۶۴: «احبس حواسک».

چنین اقوالی صرف نظر از اینکه قاعداً نباید در سلک احادیث منسلک شود و مثلاً باید تحت عنوان «اقاویل» مندرج گردد، این مضرات را نیز دارد که برای بسیاری از مبتدیان که حوصله پیگیری و یافتن شأن نزول آن گفتار را در متن کتاب ندارند، آن سخن به منزله حدیث نبوی یا ... محسوب می‌شود و اندک‌اندک در فهرست احادیث بر ساخته (مجموعول) قرار می‌گیرد. ^۵ داستان پیدایش احادیث بر ساخته با آن حجم گسترده به همین سادگی است. بگذریم از دوران و مزدورانی که همه با اغراض و امراض سیاسی-دینی بدین کار دست می‌پازیدند. همچنین باید اعتراف کرد که برخی از این احادیث بر ساخته نبوی به حق از معانی والا و مضامین نیکو برخوردارند، افسوس که انتسابشان به پیامبر (ص) نامعلوم است؛ نمونه را این سخن نغز و پرمغز منسوب به پیامبر (ص) است که: «اطلبوا العلم من المهد الی اللحد» و در زبان فاخر حکیم طوس چنین گشته:

چنین گفت پیغمبر راستگوی

ز گهواره تا گور دانش بجوی

اما طبق تحقیقات انجام شده، ظاهراً - جز چند سند مُرسل -

سند مشهوری نزد شیعه یا اهل سنت ندارد. بنابراین پراکندن سخنان نیکو و زیبا، مطلبی است و انتساب آن به ائمه دین، مطلب دیگر.

همچنین در بخش فهرست اصطلاحات عرفانی، معلوم نشد چرا برخی واژگان بدین بخش وارد شده‌اند، واژگانی همچون: